



بخش اول

تفکر و اندیشه

ذهن چون باغ است و فکر میون بذر
می توان گل رویا زریا علف هرز

مراحل کمال سیر و تکلیف بذر اندیشه

اندیشه مانند بذری است که در ذهن جوانه می زند، در دل و قلب ریشه می دواند و برگ و بار آن به صورت اعمال ظاهر می گردد.

نرات اندیشه = اندیشه، بهار جوانی را بر طراوت و زیبا می سازد، استعدادها را شکوفا می کند و امید به آینده ای زیباتر را نوید می بخشد. علاوه بر آن می تواند برترین عبادت ها باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ (منظور تفکر در صفات

برترین عبادت، اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست. خداوند است)

این بخش از کتاب به همین عبادت پرداخته است: اندیشه درباره خدا اندر درستی و صفات خداوند با همه شکلی و مداوم باشد

تفکر کردن مداوم و پیوسته در حسن و صفات خداوند باعث می شود که از

خدا غافل نسویم و ضمن یاد خداوند در زندگی و اعمال انسان تأثیر مثبت به جا می آید.

هستی بخش (خداوند و جبر و محسوس)

اشاره به یکی از صفات خداوند

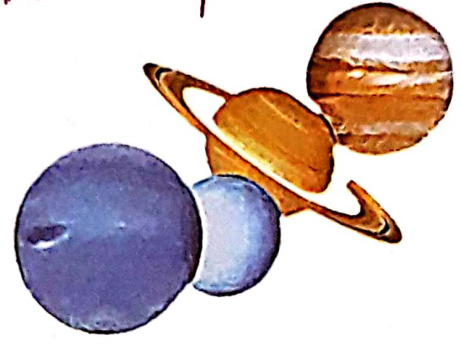
آیا تاکنون برایتان پیش آمده است که در فضایی آرام نشسته و به دور از هیجان و هیاهوی زندگی درباره این جهان پر جنب و جوش تفکر کرده باشید؟ تفکر درباره جهان دوردست؛ یعنی آسمان بی کران با کهکشان‌ها، منظومه‌ها، خورشید و سیارگان؛ و تفکر درباره همین جهان نزدیک، یعنی زمین با جنگل‌ها، دریاها، بیابان‌ها، جانوران، گیاهان و گل‌های زیبایش.

آیا هرگز درباره آغاز و پایان این هستی پهناور فکر کرده‌اید؟ به راستی این میلیاردها میلیارد کهکشان و ستاره و سیاره، با میلیاردها موجود متنوع از کجا آمده‌اند؟ موجودات جهان، هستی خود را و مدار چه کسی هستند؟! طرح این سوال در زمان است که به دراز هیجان و هیاهوی زندگی درباره این جهان پر جنب و جوش تفکر کنیم.

نیازمندی جهان به خدا در پیدایش

هر کدام از ما، بر اساس فطرت خویش، خدا را می یابیم و حضورش را درک می کنیم. به روشنی می دانیم در جهانی زندگی می کنیم که آفریننده ای (حکیم) آن را هدایت و پشتیبانی می کند و به موجودات (مدد می رساند) با وجود این شناخت اولیه، قرآن کریم ما را به معرفت عمیق تر درباره خداوند فرامی خواند و راه های گوناگونی را برای درک وجود او و نیز شناخت صفات و افعال او به ما نشان می دهد (یکی از این راه ها (تفکر) درباره نیازمند بودن جهان، در پیدایش خود، به آفریننده است. بیان این راه به شرح

زیر است: استدلال نیازمند جهان در پیدایش خود را (پدیده ای) می یابیم که وجود و هستی مان از خودمان نیست. در اشیای پیرامون نیز که بیندیشیم، آنها را همین گونه می بینیم؛ حیوانات، گیاهان، جمادات، زمین، ستاره ها و کهکشان ها، همه را پدیده هایی می یابیم که وجودشان از خودشان نبوده و (نیست).



پدیده ها، که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده ای هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد؛ همان طور که چیزهایی که شیرین نیستند، برای شیرین شدن نیازمند به چیزی هستند که خودش شیرین باشد (عبدالرحمان جامی این معنا را در دو بیت چنین بیان می کند:

چون تواند که بود هستی بخش / کم هر طایفه بود مردم

ذات نایافته از هستی، بخش / کم از هر طایفه بود مردم
 خشک ابری که بود ز آب تهی / کم پدیده ای که بود از آب
 آری در آفرینش نیز، یک موجود فقط در صورتی در وجود خود نیازمند به دیگری نیست که خودش ذاتاً موجود باشد. در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدیدآورنده نخواهد داشت (همواره بوده است و همواره خواهد بود.

* با توجه به دو مقدمه فوق می توانیم نتیجه بگیریم که ما و همه پدیده های جهان، در پدید آمدن و هست شدن خود به آفریننده ای نیازمندیم که خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد. این وجود برتر و متعالی «خدا» نامیده می شود.

۱- «بخش» در مصرع اول به معنای بهره و سهم است و در مصرع دوم به معنای عطا کردن.
 ۲- جامی، هفت اورنگ، سبحة الابرار، بخش ۱۹.

* شرط خروج پدیده از پدیده بجز در زبان که ذاتش وجودش از خودش باشد.

تفکر در متن

توضیحات صفحه قبل را به صورت یک استدلال، به طور خلاصه بنویسید.

مقدمه اول: ما و این جهان وجودمان از خودمان نیست. و پدیده هشتم
مقدمه دوم: موجوداتی که پدیده هستند و وجودشان از خودشان نیست. در موجود شدن نیازند
نتیجه: ما و هر چیزند از فانی جهان ما زنده آمدن و رفتن ندان خورند
آفریننده که ما را ندیم که وجودش از خودش و عین ذاتش باشد

پاسخ سؤالات شما (۱)

برخی می پرسند: چرا موجودات این جهان باید به آفریننده نیاز داشته باشند اما خود آفریننده به خالق نیاز نداشته باشد؟!

در پاسخ می گوئیم: اگر با دقت بیشتر استدلال بیان شده در صفحه قبل را مرور کنیم، متوجه می شویم که جایی برای طرح این سؤال باقی نمی ماند. آن استدلال نمی گوید که «هر موجودی» به آفریننده نیاز دارد. بلی، اگر کسی این را بگوید، باید نتیجه بگیرد که خدا هم به آفریننده نیازمند است. نتیجه چنین حرفی این است که هیچ چیزی وجود پیدا نکند، زیرا هر موجودی را که ما فرض کنیم، باید قبل از آن موجودی باشد تا آن را پدید آورد و این سلسله تا بی نهایت پیش خواهد رفت و هیچ گاه، هیچ موجودی پدید نخواهد آمد.

به عنوان مثال، در ساختار ساعت، ممکن است ده ها چرخ دنده وجود داشته باشد که هر یک باعث حرکت دیگری می شود. چرخ دنده اول، چرخ دنده دوم را می چرخاند و چرخ دنده دوم چرخ دنده سوم را و... اگر به حرکت این چرخ دنده ها دقت کنید متوجه خواهید شد که موتور درون ساعت علت اصلی حرکت این چرخ دنده ها است که آن موتور برای حرکت خودش، نیاز به هیچ چرخ دنده ای ندارد. حال فرض کنید تعداد این چرخ دنده ها بی نهایت است و همگی در حال چرخیدن هستند. آیا امکان دارد که زنجیره این چرخ دنده ها به هیچ موتوری که حرکت دهنده چرخ دنده ها باشد، نرسد؟ چنین چیزی غیر ممکن است؛ یعنی امکان ندارد که بی نهایت چرخ دنده در حال چرخیدن باشند ولی هیچ محرک (موتور) مستقل و بی نیازی سبب ایجاد حرکت در آنها نباشد. این همان مفهوم «تسلسل علت ها» است، یعنی اینکه سلسله علت و معلول ها تا بی نهایت ادامه یابد و به علتی نخستین ختم نشود، و این مطلب از نظر عقلی محال است.

با توجه به این نکته، عقل انسان نمی گوید که هر موجودی به آفریننده نیاز دارد، همان طور که

بنای نه اجزای ساختمان مصالح و نه خواص آن اجزا را پدید آورده و فقط کار بنا چینی
 و جابه‌جا کردن مواد و مصالح است. (رابطه بنا با ساختمان)

خداوند خالق مصالح و تمام اجزای ساختمان حتی خالق خود بنا است و وجود بنا و مصالح و خواص
 آن را بسته به خرد است. هر لحظه اراده کند آنجا را از بین ببرد.
 نمی‌گوید تمام چیزهای شیرین، حتی شکر و قند، نیازمند به یک شیرین‌کننده هستند، بلکه ذهن ما
 اگر موجودی را ببیند که قبلاً نبوده و بعد پدید آمده، در اینجا می‌گوید «پدیده» نمی‌تواند خود به
 خود پدید آید و حتماً آفریننده‌ای آن را پدید آورده است.
 همان‌طور که ذهن ما نمی‌پذیرد که یک پدیده بدون پدیدآورنده باشد همان‌طور هم، برعکس،
 نمی‌پذیرد وجودی که ذاتاً موجود است نیازی به پدیدآورنده داشته باشد.

نیازمندی جهان به خدا در بقا * تفاوت بین مصنوعات انسان با مخلوقات خداوند

مثال برای
 بنا می مسجد
 بدون ارتباط
 با سازنده آن

شما حتماً نام مسجد گوهرشاد را که در جوار حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) است، شنیده‌اید. شاید
 بارها آن را دیده و در آن نماز خوانده‌اید. این مسجد یکی از شاهکارهای هنر ایرانی بازمانده از دوره
 تیموریان است و جاذبه زیادی برای گردشگران و زائران دارد. این مسجد باشکوه همچنان باقی است،
 اما از معمار و بنا و کارگرانی که آن را با عشق و هنر بنا کرده‌اند خبری نیست. آیا رابطه خدا با جهان
 نیز مانند رابطه بنا با مسجد است؟

* (اگر اندکی دقت کنیم، درمی‌یابیم که یک تفاوت بنیادین میان این دو رابطه وجود دارد. مسجد
 گوهرشاد از مصالح ساختمانی مانند خاک و سنگ و گچ و چوب و کاشی و... تشکیل شده که
 هیچ کدام از آنها را بنا به وجود نیاورده است. هر یک از این مصالح نیز خواصی دارند که بنا آن را ایجاد
 نمی‌کند. بنا نه چسبندگی گچ را ایجاد می‌کند و نه سختی و استحکام سنگ را؛ به عبارت دیگر بنا نه
 اجزای ساختمان را پدید آورده و نه خواص آن اجزا را. کار بنا فقط جابه‌جا کردن مواد و چینش آنها
 است. اما خداوند، خالق سنگ و گچ و چوب، و خواص آنها و حتی خالق خود بنا است. بر این اساس
 وجود بنا و نیز وجود مصالح و خواص آنها، همه وابسته به خداست و خداوند هر لحظه اراده کند، آنها
 از بین می‌روند و ساختمان متلاشی می‌گردد! به همین جهت، جهان همواره و در هر «آن» به خداوند

نیازمند است و این نیاز (هیچ گاه قطع یا کم نمی‌شود) رابطه خداوند با جهان در تمام مثال و قیاس

تصحیح رابطه توره

(بعنوان مثال می‌توان گفت که رابطه خداوند با جهان، تا حدی شبیه رابطه مولد برق با جریان برق است؛
 همین که مولد متوقف شود جریان برق هم قطع می‌گردد و لامپ‌های متصل به آن نیز خاموش می‌شوند.)
 بنا بر این مسجد با ساخته شدن، از بنایی نیاز می‌شود اما موجودات چنین نیستند و پس از بیدایش است
 نیز همچنان، مانند لحظه نخست خلق شدن، به خداوند نیازمند هستند. از این رو دائماً با زبان حال، به
 سنگاه الهی عرض نیاز می‌کنند.

نکته: گفتن هر موجودی خالق می‌خواهد استیاء است با بدیلت؛ هر مخلوقی خالق می‌خواهد.

زبان حال موجودات را مولوی این گونه بیان می‌کند: در آستین جهان به خرد در سراسر و بجا

ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست

ما چو نایم و نوا در ما ز توست

تا که ما باشیم با تو در میان

ما که باشیم ای تو ما را جان جان

تو وجود مطلق، فانی نما انتم الفقراء

ما عدم‌هاییم و هستی‌های ما

حمله‌مان از باد باشد دم به دم

ما همه شیران ولی شیر علم

نیازمندی موجودات حتی در احوال خود به خداوند (توحید در ریب)

تدبیر در قرآن

در آیات زیر تدبیر کنید و به سوالات پاسخ دهید.

■ **يَا أَيُّهَا النَّاسُ**

■ **أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ غَلَّتْ**

■ **عَيْنُكَ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ**

ای مردم (ای همه موجودات از جمله مردم نه فقط مردم) انسان اینها اشرف مخلوقات است و صر انسان نیازمند است به همه موجودات نیازمند هستی

و خدا است که [تنها] بی نیاز ستوده است.

عناای و اثر خداوند عت سوره بقره یعنی بقره آورست

نیازمندی رسیدن به بندگی و عبودیت خداوند است خواستن همیشگی

■ **يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ**

هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، پیوسته از او درخواست می‌کند.

او همواره دست اندر کار امری است.

■ **كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ**

۱- فکر می‌کنید چرا موجودات پیوسته از خداوند درخواست دارند؟

۲- نیاز انسان به خدا شامل چه چیزهایی می‌شود؟

۳- چرا خداوند هر لحظه دست‌اندر کار امری است؟

آگاهی، پسر چشمه بندگی

و عجز انسان آگاه

و عجز انسان آگاه انسان‌های ناآگاه نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند، بی‌توجه‌اند؛ اما انسان‌های آگاه (دائماً بنیایه لطف و رحمت خدا را احساس می‌کنند و خود را (نیازمند) عنایات پیوسته) او می‌دانند (هر چه معرفت انسان به خود و رابطه‌اش با خدا بیشتر شود، نیاز به او را بیشتر احساس و ناتوانی و بندگی خود را بیشتر آبراز می‌کنند)

افزایش خودشناسی ← درک بیشتر فقر و نیاز ← افزایش بندگی

۱- علم: برجم؛ در اینجا مولوی انسان‌ها را به شیرهایی تشبیه کرده که بر روی برجم نقاشی شده‌اند و بر اثر ورزش باد تکان می‌خورند.

۲- مثنوی، مولوی، دفتر اول (با اندکی تلخیص)

۳- سوره فاطر، آیه ۱۵.

۴- سوره رحمن، آیه ۲۹.

* نقرونیاز زندگی انسان به خداوند (خالق) ثابت بوده ولی درک این نیاز زندگی متغیر است.
درک هر چه بالاتر برود، عبودیت و بندگی بالاتر می‌آید.

انزایش معرفت بیا مبراکرم (مستتر علیها السلام) و آگاهی او به نیاز زندگی انسان به خدا (علت) و در حقیقت برای همین است که پیامبر گرامی ما، با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی، عاجزانه از خداوند می‌خواهد جزایند آسمان که برای یک لحظه هم، لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد و او را به حال خود واگذار نکند: از خدا برای عدم قطع لطف
اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا؛ خدا یا هیچ گاه مرا چشم به هم زدنی به خودم وامگذار. و رحمتش از او (سرور)

* خدا نور، انسان پرتو نور

نور هستی رابطه میان خداوند و جهان هستی قرآن کریم

قرآن کریم، رابطه میان خداوند و جهان هستی را با کلمه‌ای بیان می‌کند که در نظر اول برای ما سنگت انگیز می‌نماید. اما پس از تفکر دقیق به معنای آن پی می‌بریم؛ قرآن کریم می‌فرماید:

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...
خداوند نور آسمان‌ها و زمین است. (جهان مجله خوارزمی)

ما با نور خورشید، نور لامپ و انواع نورهای دیگر آشنا هستیم و می‌دانیم که خداوند از نورهایی نیست که از اجسام ناشی می‌شوند، یعنی منشأ مادی دارند (پس، نور بودن خداوند به چه معناست؟)

(نور آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر نیز می‌شود. نورهای معمولی هم این خاصیت را دارند که خودشان آشکارند و سبب آشکار شدن اشیای

دیگر هم می‌شوند) سقای نور هستی بودن خداوند چشم در مرحله پیدایش و هم تباد به خداوند نیاز است
(خداوند نور هستی است. یعنی تمام موجودات، «وجود» خود را از او می‌گیرند، به سبب او پیدا و آشکار شده و با به عرصه هستی می‌گذارند و وجودشان به وجود او وابسته است) به همین جهت، هر

چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود. در واقع، هر موجودی در حد خودش تجلی بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است. از همین رو آنان که به دقت و اندیشه در جهان هستی می‌نگرند، در هر چیزی خدا را مشاهده می‌کنند و علم و قدرت او را می‌بینند.)

به هر چیزی که دید، اول خدا دید هر چیزی در این عالم تجلی بر وجود خداوند است

دلی کز معرفت نور و صفا دید

و به تعبیر بابا طاهر:

به دریا بنگرم دریا تو بینم

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم

نشان از قامت رعنا تو بینم

به هر جا بنگرم کوه و در و دشت

مفهوم بودن خداوند در هستی، دقت هستی شاعران بر خدا

پس خداوند شهود است.

۱- عسکری، علی بن ابراهیم، فسی، ج ۲، ص ۷۲.
۲- سورا نور، آیه ۲۵.
۳- گلشن راز، شیخ محمود شبستری.
۴- بابا طاهر، دو بیسی شماره ۱۶۲.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: **بیان ظهور معرفت عمیق و والا در وجود ان (علیه السلام)**

ما زَايْتُ شَيْئًا

إِلَّا وَ زَايْتُ اللَّهَ

قَبْلَهُ، وَ بَعْدَهُ، وَ مَعَهُ،

هیچ چیزی را ندیدم

مگر اینکه خداوند را

قبل و بعد و با آن دیدم **نیازمندی در نهاد**

مقصود امام علی (علیه السلام) از اینکه می فرماید قبل و بعد و همراه هر چیزی خدا را دیدم چیست؟
 هر موجودی به اندازه خورشید بجز خورشید خداوند و نشانه حکمت و علم و قدرت و صفات الهی است
 بنا بر این امام علی (علیه السلام) با آن شده موجودات، خداوند صفات او را می بیند
 اینکه انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، معرفتی عمیق و والا است که در نگاه نخست مشکل به نظر می آید، اما هدفی قابل دسترس است، به خصوص برای **جوانان و نوجوانان** که پاکی و صفای قلب دارند. اگر قدم پیش گذاریم و با عزم و تصمیم قوی حرکت کنیم، به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت چنین معرفتی را به ما خواهد چشاند * **معرفت عمیق نیاز به پاکی و صفای قلب و عزم و تصمیم قوی دارد.**

توانی در شناخت ذات و چیستی خداوند

اکنون ممکن است برای شما این سؤال پیش آید که آیا می توان به ذات خداوند پی برد و چیستی او را مشخص کرد؟

در پاسخ می گوئیم: موضوعاتی که می خواهیم درباره آنها شناخت پیدا کنیم، **دو دسته اند:**

دسته اول موضوعاتی هستند که در محدوده شناخت ما قرار می گیرند، مانند گیاهان، حیوانات، ستارگان و کهکشانها؛ حتی کهکشانهای بسیار دور هم ممکن است روزی شناسایی شوند و انسان بتواند به ماهیت و ذات آنها دست یابد. در حقیقت، **ذهن ما توان و گنجایش فهم چیستی و ذات چنین موضوعاتی را دارد، زیرا همه آنها اموری محدود هستند**

دسته دوم موضوعاتی هستند که نامحدودند و ذهن ما گنجایش درک آنها را ندارد؛ زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است. در واقع، ما به دلیل محدود بودن ذهن خود نمی توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم. خداوند حقیقتی نامحدود دارد؛ در نتیجه، ذهن ما نمی تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی نماید. بنابراین، با اینکه ما به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان پی می بریم و صفات او را

* ذهن با چیزها را دردمس کند که نسبت به آنها محیط باشد .
 * ما ذات خداوند را نمی توانیم بفهمیم چون ذات خدا بر ما محیط است و ما محیط ذات او هستیم .
 * احاطه جزء بر کل محال است .

می توانیم بشناسیم، اما نمی توانیم ذات و چستی او را دریابیم؛ از همین رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است :

در همه چیز تفکر کنید (مجاز) کفر در صفات خداوند مجاز
 و سوره تسویح
 ولی در ذات خداوند تفکر نکنید (ممنوع)
 کفر در ذات و جسم (ممنوع)

تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ
 وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ
 حَسْبُ مَا هِيَ

دانش تکمیلی

اگر می خواهید در موارد زیر اطلاعات بیشتری به دست آورید، به وبگاه گروه قرآن و معارف اسلامی دفتر تألیف کتاب های درسی عمومی و متوسطه نظری به آدرس زیر مراجعه کنید :

<http://quran - dept.talif.sch.ir>

۱- آشنایی با دلایلی درباره وجود خداوند

۲- پاسخ به این پرسش که : آیا نظریه تکامل داروین و یا نظریه بیگ بنگ می تواند به مباحث خداشناسی لطمه ای بزند؟

پاسخ سوالات شما (۲)

لوازم دیدن خداوند «حسب دل» است
 چگونه می توان خدا را دید؟
 در واقع حس بر را باید ببندد تا او را ببیند
 رؤیت خداوند با چشم غیر ممکن است، زیرا چشم ساختار مادی و جسمانی دارد و فقط از اشیا می تواند عکس برداری کند؛ آن هم اشیایی که طیف نوری قابل درک برای چشم را منعکس کنند؛ مثلاً چشم ما نورهای مادون قرمز و ماورای بنفش را نمی بیند. بنابراین، چشم حتی توانایی دیدن همه اشیا مادی را هم ندارد، چه برسد به موجودات غیر مادی (مانند فرشتگان) و از این بالاتر به وجود مقدس خداوند که هیچ شکل و تصویری و هیچ طول و عرض و ارتفاعی ندارد. بنابراین، خداوند را نه تنها در این دنیا نمی توان با چشم مادی دید، بلکه در آخرت نیز نمی توان او را با این چشم مشاهده کرد.
 اما نوعی از دیدن وجود دارد که نه تنها امکان پذیر است، بلکه از برترین هدف های زندگی است و هر کس باید برای رسیدن به چنین دیدنی تلاش کند. این مرتبه، دیدن به وسیله «قلب» و ملاقات با خداست.

۱- نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، مترجم و گردآورنده : ابوالقاسم پاینده، ص ۳۸۹.

شناخت ذات ، ما هست ، حسنی نامی
 شناخت صفات - بر سرها - هستی ممکن

دوست نزدیک تر از من به من است
چه کنم با که توان گفت که دوست

وین عجیب تر که من از وی دورم
در کنار من و من مجبورم

اندیشه و تحقیق



با وجود شباهت های ظاهری رابطه خدا و جهان با رابطه ساعت ساز و ساعت،
تفاوت های این دو رابطه را بنویسید.

(شباهت) ساعت در جهان هر دو از اجزای تشکیل شده اند - هر دو به سازنده و خالق نیازمند هستند
هر دو برای هدف خلق و ساخته شده اند - هر دو دارای نظم می باشند.

(تفاوت) ساعت ساز هستی بخش اجزای ساعت نیست فقط به اجزاء نظم می دهد در حالی که اجزای آن را می سازد و پس می دادند هم هستی بخش است و هم نظم دهنده
درام و تقابل ساعت به سازنده آن وابسته نیست ولی تقابل دوام جهان به خالق آن وابسته است
خالق آن است و وابسته است .
نظم جهان با نظم که در ساعت است قابل مقایسه می باشد .